

دوشنبه **•** ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ **•** سال یازدهم **•** شماره ۲۰۰۲ **•** ۷

روزنامه شرق	
هنر · ادبیات	
یک یادآوری به بهانه مرگ کابو	صفحه ۸
گفت‌وگو با کاوه میرعباسی درباره مارکز و رئالیسم جادویی	صفحه ۹
روزنامه	صفحه ۱۰

	قصه آهنگ
	
	
	
	
	
	
	
	
	

نگارنده معتقد است برای برقراری نظم بیشتر در فضای نقد موسیقی می‌توان تلاش کرد تا با استفاده از معیارها و استدلالات، فضای باثباتی درون حوزه نقد موسیقی ایجاد شود. هدف از این نوشتار، تقویت فضایی است منسجم برای مواجهه با آثار هنری به‌خصوص آثاری که با جلب‌توجه افکارعمومی منتشر می‌شوند. از همین‌رو، بیش از اینکه ماهیت گزاره‌های این نوشتار اهمیت داشته باشد، شیوه برخورد با این فضا مهم انگاشته شده است. بی‌مناسبت نیست اشاره شود که این نوشتار پیش از شنیده‌شدن اثر نگاشته شده است؛ این از آن‌رو است که مدعای این نوشته نقد اثر نیست، بلکه تلاش برای تثبیت فضای نقد در موسیقی ایرانی است.

وضعیت فعلی حوزه موسیقی در ایران تحت‌تأثیر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌ای است که در ایران و جهان و در رابطه بین ایران و دیگر کشورهای جهان جریان دارد. در پی فضای باز کنونی که پس از سنجگری‌های چندسال اخیر ایجاد شده، طیف مخاطبان گسترده، بازاری مهیا را پیش‌روی تولیدکنندگان آثار موسیقایی گشوده است. از طرف دیگر، فضای مناسبت‌های سیاسی جدید بین ایران و کشورهای غربی توجهات تازه‌ای را برانگیخته است. این توجهات، فارغ از ابعاد و پیامدهای مختلف آن، از حیث مهیا‌شدن فضای فعالیت‌های «خاص» فرهنگی قابل‌توجه است. این فضای خاص، حول کنجکاری درباره ایران یا هر کشوری که مساله کشورهای غربی است و نسبت آن با جامعه غربی، شکل گرفته است. فضای بسته رابطه فرهنگی بین ایران و این‌قبیل کشورها به‌خصوص در دوره پس از انقلاب فضای موسیقی در ایران را به‌گونه‌ای درآورده که برقراری رابطه با حوزه‌های فعال فرهنگی در غرب به آرزوی نسل قابل‌توجهی از موسیقیدانان تبدیل شده است. خیل آثار بی‌شماری که بمحض ایجاد فضای باز فرهنگی به «تلفیق» روی می‌آورد، سندی بر این ماجراست. بدیهی است در این شرایط، بازشناختن‌شدن (recognition) هنرمند ایرانی توسط این مراکز فعال، امری جذاب تلقی می‌شود.



با توجه به چنین پیش‌بینی‌ای، به فضایی که حول انتشار این اثر شکل گرفته است می‌پردازیم. ناظری در گفت‌وگویی با «شرق» به تاریخ ۲۰ فروردین می‌گوید: «خودش‌دام این اثر در سوپرمارکت‌های ایران توزیع شود چون می‌خواستم افرادی که به چنین موسیقی‌هایی توجه نمی‌کنند، این آلبوم را بخرند و دیدشان نسبت به موسیقی تغییر کند.» نوسنده روزنامه «شرق» می‌نویسد: «حالا هم با گذشت یک‌ماه از انتشار آن اثر، «عبدازادهم» در جایگاه دوم جدول فروش موسیقی کلاسیک جهان قرار گرفته است. البته این رکوردشکنی تنها به همین موضوع محدود نشده و در یکی از کنسرت‌های ناظری‌ها که در شهر لس‌آنجلس برگزار شده، هزارو... «شش‌مهره از این سی‌دی فروخته شد و یک رکورد تازه را برای شرکت سونی به ارمان آورد. پیش از آن بالاترین میزان فروش یک سی‌دی سونی در یک کنسرت ۸۵۰ شماره بود. بزرگ‌ترین شرکت تولید و ارایه آثار موسیقی در جهان، برای اولین بار آلبوم یک هنرمند ایرانی را همزمان با انتشار در داخل کشور، به‌صورت جهانی منتشر کرد. کمپانی SONY که در طول چنددهه گذشته اقدام به ضبط و ارایه ماندگارترین آثار ستارگان تاریخ موسیقی جهان همچون الویس پریسلی، مایکل جکسون، بیویماد،ایساک برلمان، دیومنکو و... کرده است، برای اولین‌بار در بخش کلاسیک خود (SONY CLASSICAL)، اثری مستقل از یک آهنگساز خارومیرانه (حافظ ناظری) را تولید و در کشور‌های جهان منتشر می‌کند»

در اینجا، ضروری است برای ارایه نقدی سازنده از آثار موسیقایی ایرانی از خود بپرسیم تاریخ معاصر موسیقی ایرانی، تاریخ کشمش‌خ بر سر چه مفاهیم و مناسبت‌هایی است؟ از شروع اولین دگرگونی‌ها در حوزه موسیقی در کشور (اواخر قاجار) تا به امروز، کشمشکشی‌های درون حوزه موسیقی بر سر مواجهه سنت با تجده، موسیقی بازاری (مطربی)، فرهیخته و مواردی از این قبیل نشان از وجود مسایلی مشخص در حوزه موسیقی ایرانی داشته است. تلاش منتقدان حوزه موسیقی‌ حول تعریف نسبت موسیقی ریفین دستگاهی با موسیقی کلاسیک، نسبت موسیقی امروز با موسیقی دیروز، موسیقی اصیل و غیراصیل خود ماحصل دوره خالص تاریخی حوزه موسیقی بوده است. بسیاری از عوامل اجتماعی‌ای که موجب ایجاد چنین مسایلی شده، کماکان به قوت خود باقی است. در قدم بعد، می‌توان پرسید که حافظ ناظری چه گزاره‌هایی را جسته و گریخته مطرح کرده است؟ حافظ ناظری اعتقاد دارد انتشار این آلبوم، راهی برای جهانی‌شدن موسیقی ایرانی فراهم می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۱

دوشنبه **•** ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ **•** سال یازدهم **•** شماره ۲۰۰۲ **•** ۷

روزنامه شرق	
هنر · ادبیات	
یک یادآوری به بهانه مرگ کابو	صفحه ۸
گفت‌وگو با کاوه میرعباسی درباره مارکز و رئالیسم جادویی	صفحه ۹
روزنامه	صفحه ۱۰

	هفت اقلیم
	
	
	
	
	
	
	
	
	

شرق؛ مراسم بزرگداشت هفتادوپهارمین سال تاسیس رادیو عصر روز جمعه، پنجم‌اردیبهشت در موزه موسیقی برگزار شد. در این مراسم ویلن ناصر زربادی از نوازندگان پیشکسوت رادیو و از ساخته‌های ابراهیم قنبری‌مهر به موزه موسیقی اهدا شد.

این برنامه با اجرای عباس سجادی به همراهی گروهی از اعضای رادیو فرهنگ و اجرای زنده برنامه «هفت‌اقلیم» در حیاط موزه موسیقی شروع شد. عباس سجادی در ابتدای برنامه از شاهرخ ناردی، رضا سجادی و ناصر زربادی به‌عنوان پیشکسوتان رادیو تقدیر کرد. علی مرادخانی، مدیرعامل موزه موسیقی و معاون هنری وزارت ارشاد و اولین سخنران مراسم، درباره رادیو گفت: «رادیو‌بیشترین تمرکز را بر حوزه‌های معرفتی جامعه داشته است. ما خوشحالیم که می‌توانیم در موزه موسیقی به بخش‌هایی از فعالیت‌های رادیو پرداخته و آنها را معرفی کنیم. رادیو در سال‌های فعالیت‌ش توانست کوشش‌های افراد هنرمند را به جامعه معرفی کند. تأثیرهای بسیاری را که رادیو در تاریخ ما داشته باید یادآوری و حافظه تاریخی خود را تقویت کنیم»

مسئان هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد: «ما در آرشبو موزه موسیقی آثار گرانقدری داریم؛ از سال ۱۲۷۴ شمسی که ضبط صفحه‌های سنگی در ایران آغاز شده تاکنون، آثاری در موزه موسیقی نگهداری می‌شوند. افراد بسیاری هستند که صفحه‌های قدیمی در دست دارند که امیدواریم با اهدای آنها به موزه موسیقی، وضعیت نگهداری بهتری را برای این آثار فراهم کنند.»

پس از آن رادیو فرهنگ برنامه جشن تولد ۷۴سالگی رادیو را به صورت زنده برای حضاران در موزه موسیقی و همچنین شنوندگان رادیو فرهنگ اجرا کرد. در بخش‌هایی از برنامه رادیو فرهنگ شاهرخ نادری به اجرای برنامه پرداخت و برخی از موسیقی‌های قدیمی رادیو به انتخاب این گوینده پیشکسوت برای مخاطبان پخش شد.

رضا سجادی گوینده پیشکسوت رادیو

در سال ۱۳۱۹ برای نخستین‌بار از رادیو

اعلام کرد: «اینجا تهران است، شنوندگان

عزیز از این ساعت رادیو برای شما برنامه

اجرا می‌کند» نخستین گوینده رادیو در

ایران گفت: «رادیو هنوز هم در دنیای

رسانه حرف نخست را می‌زند. زمانی در

خراسان دیدیم که مردی در حال بردن

گاوهایش به چرا بود که بر شاخ یکی از

گاوهایش رادیویی ترازنیستوری آویزان

کرده بود. رادیو انتشاردهنده فرهنگ

قدیمی‌ماست. بیاید دید رادیو را بدانیم.»

آخرین بخش این مراسم اهدای

ویلن ناصر زربادی به موزه موسیقی بود.

زربادی درباره ساز خود گفت: «۵۸سال

پیش این ویلن را از ابراهیم قنبری‌مهر

خریدم. روزی برای دیدن دوستانم به

مهمانی رفتم و سازم را هم با خودم بردم

اما وقتی رسیدم متوجه شدم که آرشه را

با خودم نیاورده‌ام. به دوستم گفتم که از

بغش برای من ترک‌های بیابورد و با استفاده

از همان ترک‌که به جای آرشه به نواختن

پرداختم.» در مراسم هفتادوپهارمین

سال تاسیس رادیو، چهره‌هایی مانند

علی مرادخانی معاون هنری وزیر فرهنگ

و ارشاد اسلامی و مدیر موزه موسیقی،

امین‌الله رشیدی، میلاد کبابی، فضل‌الله

توکل، بزرگ لشگری، جواد لشگری،

کیوان ساکت،محمدسریر،رامبدضدیف،

استاد وحدت، فرهنگ جولایی، قاسم

رفعتی، عباس خوشدل، صدیق تعریف،

شاهرخ توپسرکائی، مهدخت مخبر،

فریدون شهبازیان و ملیحه سعیدی

حضورداشتند.



عکس: ناصر زربادیان

۴ انتقادهای فراوانی به کلاس‌های تکنیک صداسازی شما وارد شده است. نظر

خودتان در این زمینه چیست؟
این انتقادها به این دلیل است که مزایای آن به‌خوبی تبیین نشده است. من خودم راضی هستم و هنرجویان من معلوم هستند. بسیاری معتقدند که صدای هنرجویانم قابل شنیدن است و رنگ‌بویی آوای دارد.

۴ این‌روز‌ها اغلب خواننده‌ها حتی آتهایی که می‌توانند خوب آواز بخوانند به سمت تصنیف‌خوانی گرایش پیدا کرده‌اند، این موضوع به‌خاطر شرایط جامعه است یا صدایشان کشش ندارد؟

به‌طور کلی ما آوازخون کم داریم. به‌رحال آواز خوب وقتی خوانده نمی‌شود گوش مردم به آثار بی‌کیفیت عادت می‌کند. متأسفانه رسانه ما هم آواز پخش نمی‌کند و بسیاری از مشکلات به‌وجودآمده در حوزه موسیقی به دلیل عدم پخش موسیقی خوب از صدوسیماست. به‌نظر هم‌را که آواز خوانده می‌شود همیشه شنونده‌اش نیز وجود دارد. آواز خوب یعنی آوایی که خواننده بتواند همه ابزار را از جمله صدای خوب و دانش آوایی داشته باشد و بتواند شعر را خوب بشناسد و صاحب سلیقه و سلیقه باشد. بعضی‌ها فقط به‌دنبال وزن هستند و فرد یک جمله در ذهن دارد و می‌خواهد آن را به صورت شعر بیان کند و اصلا به مفهوم آن کاری ندارد. در نتیجه پیام در موسیقی به‌درستی القا نمی‌شود. مثلاً مایه دشتی حزن خاصی دارد و اگر خواننده در دشتی بگویدآمده بهار... نااهمگون و غیرقابل باور است. انتخاب اشعار در آوازخوانی بسیار مهم است و خواننده باید با ادبیات عجین باشد. بعضی مواقع یک خواننده به‌تحتوی یک شعر را می‌خواند که فکر می‌کنیم گزارشی می‌خواند شعر و موسیقی باید در کنار هم باشند و گاهی اوقات خوانندهای شعری را آنقدر زیبا می‌خواند که کس دیگری سراغ آن شعر نمی‌رود. به فرض مثال آواز آقای شجریان در آلبوم‌بیداد! «باری اندر کس نمی‌بینیم یارن را چه شد!» آنچنان زیبا و شفاف خوانده شده است که کسی حتی جرات ندارد دوباره سراغ این شعر برود.

۴ فارغ از کیفیت آوازها، مدت‌زمان خواندن آواز نیز کم شده است. این موضوع به‌دلیل بی‌حوصلگی مخاطبان است؟

آواز ماندن یک حرف خوب و جذاب است. مثل زمانی که آدم سخنرانی می‌کند. مهم این است بتواند شنونده را جذب کند و خیلی‌ها نمی‌توانند در این زمینه ارتباط خوبی برقرار کنند. در نتیجه مخاطب بی‌حوصله و کم‌طافتم می‌شود. در کنسرت‌های محمدرضا شجریان ندیدم کسی خداخدا کند تا کنسرت تمام شود و همه به این کنسرت می‌روند تا آواز خوب بشنوند زیرا ایشان به‌خوبی پیام را منتقل می‌کنند.

۴ به اعتقاد شما صدای ساز کمانچه در ۵۰سال اخیر شفاف‌تر از گذشته بوده است؟
بله از نظر تکنیک، کاملاً برجسته بوده است. به فرض مثال یک زمانی برای کمانچه از انگشت چهارم استفاده نمی‌کردند؛ تکنیک یک چیزی است که برای آن هیچ حوزموزی وجود ندارد. حوزموز زمانی است که کمانچه‌نوازی از فرم و ساختار موسیقی ایرانی خارج شود. این مانند داستانی است که وقتی می‌خواهیم به کودکی زبان یاد دهیم نمی‌توانیم بگوییم فقط یک محدوده را باید یاد بگیری؛ در صورتی که محدوده‌ای وجود ندارد. باید بتوانیم فعل و فاعل را براساس ساختار زبان فارسی به کار ببریم و آهنگ کلام درست باشد. یعنی اینکه اگر می‌خواهیم خواش کنیم آهنگ کلام باید به‌صورت خواشنی باشد. باید از اصول زیبایی‌شناسی استفاده کنیم زیرا این روند در طی سال‌ها اتفاق افتاده است. در همین راستا تکنیک و صدای شفاف ساز و صدای بدون پرازیت نیز حق شنونده و نوازنده است. خط قرمز آنجایی است که آنچه می‌نوازیم در محدوده زیبایی‌شناسی موسیقی ایرانی نباشد.

۴ خیلی‌ها تأکید بر تکنیک و سرعت دارند. درست است؟
تکنیک و سرعت باید در چارچوب خاصی باشند. مساله مهم این است که نوازنده و هنرمند از محیط، تأثیر می‌پذیرد. متأسفانه در محیط جامعه ما شناخت افراد از موسیقی کم است و به‌خاطر گستردگی جوامع و همچنین سیاست‌های فرهنگی غلط، مخاطب تربیت‌شده موسیقی نداریم. کمانچه‌نوازی هم مانند بقیه جریانات، تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرد و به‌دلیل اینکه حرکت جدی در تحول کمانچه‌نوازی نسبت به دیگر سازها دیرتر آغاز شده است، بیشتر در معرض آسیب قرار می‌گیرد. به اعتقادم به کل جریان موسیقی آسیب زیادی وارد شده و این جریان از فرم درست خود خارج شده است. این اشتباه است که بگوییم نوازنده هر کاری دوست دارد می‌تواند انجام دهد. ما سه نوع موسیقی یعنی موسیقی مدرن، موسیقی دستگاهی و موسیقی بین‌المللی داریم. فرم موسیقی کلاسیک در همه‌جای دنیا کلاسیک است و ما نمی‌توانیم در ساختار آن بدعت داشته باشیم به فرض مثال از تنبور استفاده کنیم! همچنین موسیقی جهانی در همه‌جای دنیا وجود دارد که نام آن «پاپیولار» است. موسیقی ملی هر کشوری نیز جایگاه خودش را دارد. متأسفانه این روزها شاهدیم برخی ازهنرمندان موسیقی کشورمان تار و کمانچه در دست دارند اما آرزو و تفکرشان گیتار و پیانو است؛ یعنی ذهنشان و علاقهشان به فرم موسیقی غربی است ولی اِزار در دستشان تار و کمانچه است.

۴ به نظر تان این طرز تفکر منجر به محدود دید کم موسیقیدان نمی‌شود؟
اتفاقاًخلاقیت‌ها در اینجااتفاق می‌افتد. موسیقیدان مانند شاعری است که کلمات، اِزار کارش محسوب می‌شوند. قدرت و ضعف شاعر در جایی مشخص می‌شود که با اِزارش در چارچوب زبان فارسی تعلیر و اصطلاحات تازه خلق کند. ما در شعر، تاریخ مفصلی داریم ولی در موسیقی این تاریخ کم است. زیرا موسیقی نیاز به ضبط و ثبت‌شدن دارد.

۴ شما بحث تکنیک صداسازی را در آموزش موسیقی ایرانی جا انداخته‌اید. کمی درباره صداسازی صحبت کنید و اینکه آیا همه هنرجویان باید حتما صداسازی را یادگیرند؟

بایدی در کار نیست. مقوله تمرین همیشه بوده است. تمرین در بعضی موارد بر اساس سلیقه شخصی استادان است و هیچ‌وقت به شکل خاص تدوین شده نبوده است. آواز همیشه به شکل سنتی آموزش داده می‌شده است که اگر هنرجویی آواز بلد بود کلاس آموزش آواز می‌رفته است و همیشه معدودی از افراد در کلاس‌های آواز می‌توانستند خواننده شوند. ما هزاران هنرجوی آواز داریم که اکثریت آنها کار قابل‌اربابی‌ای نداشتند. در آخر مجموعه‌ای از آموزش‌ها را می‌دیدند ولی نمی‌توانستند هنر خود را ارایه دهند. در نتیجه خیلی‌ها از کلاس آواز زده می‌شدند و احساس می‌کردند که کار به‌بودهای انجام داده‌اند. من مدت‌ها فکر کردم دیدم اشکال کار در تکنیک است و به این نتیجه رسیدیم به صورت تمرینی هم‌زمان پیش برویم. بسیاری از هنرجویان با اینکه باهوش بودند و فواصل را خوب می‌شناختند ولی بلد نبودند بخوانند. در همین راستا تصمیم گرفتیم قبل از ردیف یکسری آتود تمرینی را به هنرجویان آموزش دهیم. بعضی‌ها انتقال می‌کنند و ما متأسف می‌شویم، زیرا صداسازی به معنای این نیست که اگر کسی صدا ندارد ما برایش صدا بسازیم. ما در ابتدا تست می‌گیریم، اگر صدای هنر جو مناسب بود و قابلیت داشت کمکش می‌کنیم. صدای خواننده آنستایی نیست و اگر صدا نداشته باشد آن را قبول نمی‌کنیم و اگر قابلیت داشت کمک می‌کنیم تا از صدایش بهترین بهره‌برداری را بکند. صداسازی تمرین است و ما اتودهایی طراحی می‌کنیم که زودتر به قابلیت برسد. من پایه‌گذار صداسازی بودم و اولین‌بار اتود آن را سال ۱۳۷۴ مطرح کردم و از سال ۱۳۷۶ به هنرجویان آموزش دادم. همچنین زمان یادگیری صداسازی بستگی به آمادگی فرد دارد ولی اصلاً پنج‌ماهه به پایان می‌رسد.

۴ برای صداسازی با محمدرضا شجریان صحبت کردید؟

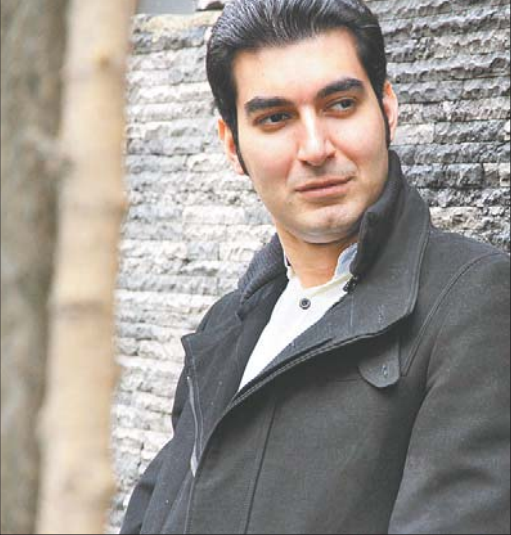
بله ما در این زمینه خیلی با استاد شجریان صحبت کردیم و ایشان موافق این رویه و مشقوق جدی من بودند. خودشان هم اتودهایی در این زمینه طراحی کردند و به نقطلمطرات‌خوبی‌رسیدیم.

۴ آیا خود آقای شجریان چنین کلاس‌هایی دارند؟
استاد شجریان خوششان این کلاس‌ها را ندارند اما تا جایی که در جریان هستم با همایون شجریان چنین دوره‌هایی را کار کرده است.

نوید دهقان از گروه «قمر» می‌گوید خسته نمی‌شویم

طاهره شعاعی

تاریخچه موسیقی فولکلور را نمی‌توانیم به درستی پیدا کنیم. آهنگ‌های محلی بسیار کوتاه هستند و اغلب یک موتیف‌اند، چراکه در طول تاریخ از صافی ذهن و سلیقه هنرمندان بسیاری گذشته‌اند و به مرور زمان، زواید خود را از دست داده‌اند. این بحث را به این دلیل مطرح کردم که کمانچه در موسیقی محلی ارست‌ان نقش بسیار پررنگی داشته است و اما روند تکاملش در مسیر تاریخ، چندان در اختیار ما نیست. به موازات آن در موسیقی دستگاهی ایران، از جایی که تاریخ نوشته‌شده و ضبط‌شده وجود دارد بررسی رویوند حرکت کمانچه آسان‌تر است. از سرآمدان کمانچه در گذشته، حسین‌خان اسمعیل‌زاده، باقرخان رامگر و موسی کشی بوده‌اند که آثار کمی از آنها در دسترس است. در نسل بعدی استاد بهاری تنها کمانچه‌نوازان شناخته‌شده بوده است که پس از او شاگردان استاد بهاری و در ۳۰سال گذشته کمانچه‌نوازی پیشرفت‌ش را مرهون زحمات استادان اردشیر کلملکار، سعید فرچوری و کیهان کلهر است. کمانچه امروزی تکمیل شده است و صدایش محدودیت صوتی گذشته را ندارد. نتیجه‌گیری این است که کمانچه ساز اصلی در موسیقی دستگاهی ما نبوده است بلکه ساز اصلی در موسیقی دستگاهی تار بوده است. در گذشته تار به‌عنوان ساز اصلی خیلی پیشرفت داشته است و تکامل آن زودتر اتفاق افتاده است و به همین دلیل است که ردیف‌های مدون موسیقی ایرانی همگی بر اساس امکانات صوتی و تکنیکی تار نوشته شده است. به‌طور کلی وقتی به ساز تار بیشتر اهمیت می‌دادند کمانچه و سازهای دیگر در درجه بعدی قرار می‌گرفتند. در همین راستا باید قبول کنیم که روند تکامل کمانچه در مقایسه با تار، کندتر بوده است. یک زمانی جریانی



گروه موسیقی قمر ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت‌ماه با خوانندگی حمیدرضا نوربخش در شیراز به صحنه می‌رود. این اولین‌بار است که نوربخش با نوید دهقان، آهنگساز جوان اما خوش آتیه به صحنه می‌رود. با اینکه خیلی‌ها معتقدند حمیدرضا نوربخش کم‌کار است ولی خودش می‌گوید که اگر دو اثر قابل دفاع داشته باشد برایش کافی است؛ چرا که وی به خوانندگی به چشم شغل نگاه نمی‌کند و برایش مادیات مهم نیست. نوربخش این‌روز‌ها قرار است با گروه موسیقی قمر به صحنه برود. وی معتقد است: نوید دهقان (سرپرست و آهنگساز این گروه) به‌دنبال شهرت نیست و از نظر منش، شخصیت، نوع نگاه به شعر، ادبیات و موسیقی به‌گونه‌ای است که می‌پسندم.

۴ خیلی‌ها معتقدند شما از نظر آوایی صدایی متفاوت دارید. از سویی برخی اعتقاد دارند حمایت آقای شجریان و همچنین پست و مقامی که دارید مانع از این می‌شود که با هر گروهی کار کنید...

هیچ‌وقت اینطوری نبوده و نیستم و کسانی که با من در ارتباط هستند کاملاً به این موضوع واقفند. من غرور و تکبر ندارم. اینها اعتقاد من است زیرا آدم‌ها برایم مهم هستند یعنی هیچ‌وقت از هنرمند جوانی که مایل به همکاری با من است، به دلیل جوان‌بودنش دوری نمی‌کنم. در عین حال هیچ‌وقت اصرار نداشته و ندارم فقط با پیشکسوتان کار کنم و اگر اصرار به این موضوع داشتم، با پیشکسوتان بیشتری فعالیت می‌کردم. تقاضا برای خواندن همیشه از سمت دیگران بوده و من به هیچ آهنگسازی پیشنهاد نمی‌کنم که با آنها بخوانم. حتی بسیاری از نامداران به من پیشنهاد خواندن کردند ولی من قبول نکردم چون کار را دوست نداشتم و احساس کردم دوست ندارم آن کار را برای بار دوم گوش کنم، پس چرا باید آن را بخوانم؟! الان هم اگر با نوید دهقان همکاری کرده به این دلیل است که چندین سال است روی می‌شناسم و احساس کردم از نظر شخصیت، منش، نوع نگاهش به شعر، ادبیات و موسیقی به‌گونه‌ای است که می‌پسندم و ایشان هم اصلاً به‌دنبال شهرت نیست. بعضی آدم‌ها برای دیده‌شدن هر کاری می‌کنند در نتیجه این افراد موردپسند من نیستند چون خودم هیچ‌وقت وارد این مقوله نمی‌شوم و این کارها برایم زشت و زنده است. معتقدم اگر کسی حرفی برای گفتن داشته باشد آن حرف شنیده می‌شود ولی با زور و تبلیغات به جایی نخوانده‌رسید و ماندگاری نخوانده‌داشت و فقط هیاهو دارد. در نتیجه هیاهو هیچ‌گاه ماندگار نمی‌شود و ماندن موجی است که می‌آید و می‌رود. در همین راستا چندان اثر در دهه اخیر نمی‌توانیم نام ببریم که قابل شنیدن است؛ این در حالی است که هیاهوها زیاد بوده است ولی هیچ‌کدام از این هیاهوها ماندگار نشده‌اند.

نوید دهقان آهنگساز و سرپرست گروه قمر است که توانسته در چند سال گذشته با وجود مشکلاتی که پیش‌روی گروه‌های موسیقی قرار داشت گروه را نگه دارد و همچنان به اجرای برنامه بپردازد. این گروه پیش از عید با سالار غفیلی کنسرتی را بر تار گزار کرد وند و حالا نیز قرار است با حمیدرضا نوربخش به روی صحنه بروند.

۴ آقای دهقان گروه قمر تنها گروهی است که بعد از گروه کامکارها که پیوند خانوادگی آنها را حفظ کرده، توانسته است خودش را سرا پا نگه دارد. رمز ماندگاری گروه را در چند موفقه می‌توانید توضیح دهید؟
شما وقتی شروع به کار کردن می‌کنید مساله مالی مانع نیست بلکه تفکر و اندیشه است که در یک جریان، مهم است. من تجربه کار کردن با گروه موسیقی عارف را داشتم که تجربه بزرگی بود و در ۱۶ سالگی صورت گرفت. وقتی تصمیم گرفتم گروه داشته باشیم الگوهای زیادی داشتم. سعی کردم گروه عارف و شیدا را بررسی کنم و نقطه دوج و فرود آنها را پیدا کنم تا به نتیجه خوبی برسیم. رمز ماندگاری این است که هسته اصلی گروه حفظ شود. من از هیچ چیزی خسته نمی‌شوم و نمی‌ترسم؛ چراکه به کارم اعتقاد دارم و مطمئن هستم گروه قمر از گروه عارف و شیدا بزرگ‌تر خواهد شد. ما به‌دنبال کار کردن هستیم و به یقین به جایگاه و تأثیرگذاری خواهیم رسید. از روز اول که این گروه تشکیل شد هدف این بود که باعث ایجاد جریان در موسیقی شود. کسی که این هدف را دارد باید تلاش کند. مسایل مالی و شخصی در کار وجود ندارد. ما می‌خواهیم بخشی از فرهنگ این سرزمین باشیم. در شروع کار ۵۰درصد نوازنده، ۴۰درصد خواننده و ۲۵درصد آهنگساز بود. در فروش سی‌دی هم همین‌طور بوده است ولی الان شاید کمی فرقی کرده است. قبلاً کنسرت برگزار می‌کردیم و نمی‌دانستیم چه اتفاقی می‌افتد. اما اکنون تهیه‌کننده هزینه‌ها را می‌پردازد و ما بعد از هشت سال هزینه‌های ثابت و باطبع درآمد شخصی داریم. الان همه بچه‌ها راضی هستند زیرا یک حلقایی وجود دارد که آن حداقل را همه قبول می‌کنیم. ما از جایگاهی که در داریم راضی هستیم و مخاطب گروه قمر یک مخاطب بافرهنگ است. کارهایی که اجرا می‌شود را دوست داریم و همه می‌دانند تمرین‌های سخت و مداوم، نتیجه بخش است.

۴ همکاری تازه خود با حمیدرضا نوربخش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
من باید در ابتدا خیلی چیزها را با هم‌نسلان خودم تجربه می‌می‌کردم و زمانی که به یک سطح قابل قبول رسیدیم، می‌توانستم با یک نسل بالاتر از خودمان همکاری کنم. تجربه‌هایی که با سالار غفیلی داشتم خیلی خوب بود. فکر می‌کنم امروز تازه به نقطه شروع رسید‌ام. الان تا حدودی مخاطبان ما را شناخته‌اند و تا الان همه تلاشمان این بود تا نهایی را که کشنیم به ثمر برسانیم که خوشبختانه الان به یک بالندگی رسیدیم و می‌توانستیم خود کفا شویم. من از نوجوانی آرزویم این بود با حمیدرضا نوربخش به‌عنوان خواننده در چه یک کار کنم. حضور ایشان خیلی روی من تأثیر می‌گذازد. کنسوت ایشان روی کار کرد و حتی نوع نوازندگی و آهنگسازی گروه تأثیر گذاشته است. مثلاً زمانی که کارهای چند سال پیش را گوش می‌کنم می‌گویم، ضرب‌آهنگ کارهایم چقدر تند بوده است. الان که کارها را گوش می‌کنم متوجه می‌شوم حضور حمیدرضا نوربخش روی کارم تأثیر زیادی گذاشته و همه‌چیز معقول‌تر شده است.

۴ دوره‌های مختلف کمانچه‌نوازی را بررسی کنید و بفرمایید سر آمدان هر دوره چه کسانی بوده‌اند؟
اساساً موسیقی به دو دسته موسیقی نواحی و موسیقی دستگاهی تقسیم می‌شود.